

توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سارا نظری^۱، محمدرحیم عیوضی^۲

چکیده

یکی از ابعاد مهم توسعه در جهان امروز توسعه سیاسی است. مبانی شناخت‌شناسی توسعه سیاسی در ایران در حالت اولیه، پیرامون بنیان‌های توسعه غربی شکل گرفته و سیاست‌مداران ایرانی در روند توسعه و رشد سیاسی کشور از ابتدا با الگوهای غربی مواجه بوده‌اند. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر نظام و ساختارهای کشور، نیاز به بازنگری در مدل‌های غربی مطرح شد و این امر با طرح و تأیید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی رهبر انقلاب به ثمر نشست. بر این اساس، در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، پرسش‌نامه و روش تحلیل محتوا ابتدا به بیان چهارچوب نظری تحقیق پرداخته شده و در ادامه با استفاده از روش پرسش‌نامه و توزیع آن در میان جمعی از نخبگان و اساتید کشور، راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور مطرح شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مواردی چون توجه به قانون، تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه، توسعه فعالیت‌های حزبی و خودشناسی بر پایه مصادیق توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که عبارتند از عزت، کرامت، بصیرت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری؛ راهکارهای مطلوبی به شمار می‌آیند که می‌توانند روند توسعه سیاسی در کشور را بهبود بخشند.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، پیشرفت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، راهکار.

1. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز -saranazari1393@gmail.com

2. عضو هیئت‌علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین / ra.eivazi@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

توسعه در دنیای امروز از جمله مفاهیمی است که همواره مورد توجه جوامع مختلف بوده است. در میان شاخه‌های توسعه در عصر نوین، توسعه سیاسی به دلیل نقش و جایگاهی که در جامعه دارد، از شرایط ویژه‌ای برخوردار است. اگرچه توسعه سیاسی در نیم قرن اخیر وارد مباحث توسعه، به‌ویژه در دنیای غرب شده است، اما عناصر و مؤلفه‌های آن همواره آرمان‌ها و مطالبات عمومی ملت‌ها و برنامه کار دولت‌های دموکراتیک را تشکیل می‌داده است؛ عناصر و مؤلفه‌هایی چون: آزادی، قانون‌گرایی، وجود و امکان فعالیت نهادهای مدنی، تکثرگرایی، ثبات، رقابت و مشارکت سیاسی.

در بررسی روند توسعه سیاسی در ایران با نوعی توسعه‌نیافتگی در کشور در دوره‌های گذشته مواجه بوده‌ایم. اگرچه در زمان مشروطه مفاهیم مدرنی مانند آزادی، قانون و مشارکت وارد عرصه سیاسی کشور شدند، اما به دلیل ریشه‌داربودن استبداد در ایران و راه پُرفرازونشیب پیش رو، در میانه راه متوقف شده است.

در دوران رضا شاه، مفاهیم مدرن همچنان در حال ورود به ایران بودند اما در شکل استبدادی آن؛ به همین دلیل توسعه شکلی غلط و مسیری انحرافی را در پیش گرفت.

پس از رضا شاه، دومین بهار آزادی در ایران شکل گرفت که آن نیز به دلیل حاکمیت دوباره استبداد تحت حاکمیت محمدرضا شاه، با شکست مواجه شد و این روند استبداد و تک‌صدایی تا انقلاب اسلامی 1357 ادامه یافت. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد توسعه سیاسی در این دوران بیشتر جنبه شکلی داشته و در واقع هیچ نشانی از ارتقای این مفهوم در این دوران دیده نمی‌شود.

با وقوع انقلاب اسلامی، تجربه نوینی از توسعه سیاسی و نشانگان آن همچون آزادی، مشارکت و مشروعیت در کشور آغاز شد. در هیچ دوره‌ای به اندازه دوران آغازین جمهوری اسلامی، مردم با معنای واقعی کلمه «حاکم بر سرنوشت» آشنا نشدند، اما با وقوع جنگ تحمیلی، توسعه سیاسی با موانع گوناگونی روبه‌رو شد و شاخص‌هایی چون مشارکت مردم در سیاست به دلیل وجود شرایط جنگی با دشواری مواجه گردید.

مهم‌ترین دغدغه دولت هاشمی در دوران پس از جنگ، امنیت ملی، تثبیت ثبات اقتصادی و تداوم

رشد اقتصادی بود و به جنبه‌های دیگری چون توسعه سیاسی توجه اندکی شد. دوم خرداد، پایان یک‌سونگری اقتصادی بود. اندیشه‌های خاتمی در پرتو تحولات اجتماعی جدید، واقعیت‌هایی را که تابه‌حال در بطن انقلاب اسلامی نهفته مانده بود، آشکار ساخت و شعار توسعه سیاسی، پیشران حکومت در عرصه‌های مختلف جامعه شد. روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، بار دیگر روندی را که در توسعه سیاسی آغاز شده بود، با چالش مواجه ساخت و توسعه سیاسی یکی از مهم‌ترین مفاهیمی بود که در این دوره مغفول ماند. نگاهی کلی به سیر توسعه سیاسی در ایران به‌ویژه در ایران پس از انقلاب، به‌روشنی بیانگر این مطلب است که متأسفانه ما در طول سه دهه گذشته روند روبه‌رشدی را در توسعه سیاسی کشور تجربه نکرده‌ایم و همه دولت‌های روی کار آمده پس از انقلاب، سیاست‌های خاص خود را در زمینه توسعه سیاسی پی گرفته‌اند. این بدان معنی است که توسعه سیاسی در کشور روند ثابت و الگوی کارآمد و واحدی را طی این سال‌ها ادامه نداده است و براساس گرایش‌های دولت‌های منتخب، در هر زمان شاهد قبض و بسط این واژه در کشور بوده‌ایم و بیش از آنکه شاهد سیری خطی و متداوم باشیم، متأسفانه روندی بالا و پایین و زیگزاگی را در این مقوله شاهد بوده‌ایم. به باور نویسنده، ارائه الگویی واحد و بومی به‌منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور به‌شدت مورد نیاز است؛ الگویی که به‌عنوان سندی بالادستی پیش روی دولت‌های منتخب قرار گرفته و فارغ از هرگونه سلیقه و جهت‌گیری‌های سیاسی توسط آن‌ها پیگیری و اجرا شود.

هدف پژوهش

در این پژوهش بر این باوریم که ارائه الگویی بومی و واحد برای توسعه سیاسی در کشور مورد نیاز است. اتکای پژوهش حاضر بر الگوی اسلامی پیشرفت است که براساس دستور رهبری و طی سال‌های اخیر مورد توجه محافل دانشگاهی، پژوهشی و علمی قرار گرفته است. گرچه هنوز برای دستیابی به این الگو و راهبردی شدن آن راهی طولانی در پیش است، اما این پژوهش در پی آنیم تا با جمع‌آوری نظرات و راهبردهای بخش کوچکی از جامعه علمی کشور، به دنبال ارائه راهکارهای مطلوبی باشیم که بتوان به واسطه آن‌ها روند توسعه سیاسی را در کشور بهبود بخشید.

پرسش تحقیق

پرسش این است که راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کدام است؟ براساس یافته‌های موجود، مواردی چون توجه به قانون، تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه، توسعه فعالیت‌های حزبی و خودشناسی بر پایه مصادیق توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که عبارتند از عزت، کرامت و بصیرت، از مهم‌ترین راهکارها هستند.

پیشینه پژوهش

در زمینه توسعه سیاسی در ایران، کتب و مقاله‌های متعددی نگاشته شده است، اما پیداکردن پژوهشی که هدف آن ارائه الگویی خاص برای توسعه سیاسی در کشور باشد، آسان نیست. با این حال در ذیل به معرفی چند منبع موجود در این زمینه پرداخته خواهد شد.

حسین بشیریه (1380) کتابی با عنوان «موانع توسعه سیاسی در ایران» نگاشته است. این کتاب حاوی مباحثی درباره موانع تاریخی و ساختاری توسعه سیاسی در ایران است. به‌طورکلی در این کتاب تلاش شده است تا تفسیری نظری از خطوط اصلی تاریخ سیاسی معاصر ایران با تأکید بر دوران پهلوی عرضه شود. استدلال اصلی کتاب آن است که تکوین ساخت دولت مطلقه مدرن همراه با گسترش چندپارگی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و حکومت پدرسالارانه، موانع اصلی توسعه سیاسی ایران بوده است.

محمد رحیم عیوضی (1385) در کتابی با عنوان «مشاکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» کوشیده است تا با بهره‌گیری از دو نظریه جامعه‌شناختی کارکردگرایی و مبادله، وضعیت مشارکت سیاسی در ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی بررسی کند. نویسنده با اشاره به اینکه مشارکت سیاسی، تنها شرکت پرشور در انتخابات و در زمان برگزاری آن نیست، بلکه امری مستمر و ساری و جاری در زمان و مکان است، توجه به دو عنصر مسئولیت‌پذیری و آگاهی را از جانب مردم و حکومت، امری مفید برای مشارکت سیاسی می‌داند و تصریح می‌کند به جهت ماهیت و ساختار اسلامی و مردمی حکومت و اعتقاد و توجه عمیق به آرای مردم و نقش اصلی آنان در اداره جامعه، میزان آگاهی و مسئولیت‌پذیری مردم، رشد قابل‌توجهی داشته است، اما آنچه با این رشد هماهنگ نبوده است، از طرف مقابل یعنی حکومت‌کنندگان بوده است.

حمید ابجهی (1392) پایان‌نامه‌ای با عنوان «الگوی توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» نوشته است. در بخشی از این پژوهش آمده است: مقوله توسعه سیاسی از اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت میلادی در چهارچوب مطالعه سیاست‌های مقایسه‌ای مورد توجه اندیشمندان علوم سیاسی قرار گرفته است. البته پیش از جنگ جهانی دوم به‌ویژه در دهه‌های بیستم و سی‌ام، محققان و فلاسفه سیاسی کوشیدند تا این مقوله را براساس دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. از دوران پس از جنگ جهانی دوم، فضای جنگ سرد بین دو قطب سرمایه‌داری و سوسیالیستی، اندیشمندان غربی را بر آن داشت تا تحت تأثیر این وضعیت، الگوها و نظریه‌هایی را در این باره مطرح سازند. نویسنده در این مقاله ضمن بررسی نظریه‌ها و مکاتب غربی درباره توسعه، به بررسی الگوی توسعه در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

فیروز راد (1387) پایان‌نامه‌ای را با عنوان «بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران» در دانشگاه علامه در مقطع دکترا ارائه داده است. نویسنده معتقد است توسعه سیاسی در ایران معاصر، روندی هموار و روبه‌رشد نداشته، بلکه با فراز و فرود و رفت‌وبرگشت همراه بوده است؛ به طوری که در این سیر زیگزاگی، به‌طور مشخص سه دوره انقباضی (20-1304، 57-1332 و 76-1360) و سه دوره انبساطی (32-1320، 60-1357 و 82-1376) را پشت سر گذاشته است. بدیهی است قبض و بسط توسعه سیاسی، به سبب وجود موانع و چالش‌هایی بوده است که در این مدت نسبتاً طولانی، در برابر پوییش و بالندگی آن مقاومت کرده‌اند. از مهم‌ترین این موانع، ضعف جامعه مدنی و حاکمیت دولت رانتیر، است. قرائن و شواهد تاریخی حاکی از این حقیقت است که هرگاه در دوره‌ای، دولت، خصلت تحصیلدار پیدا کرده و با استقلال و بی‌نیازی از مالیات مردم از تمرکز قدرت برخوردار شده است، همواره عرصه را برای فعالیت سازمان‌های جامعه مدنی تنگ‌تر کرده و در نتیجه مانع‌پاگیری و استقرار توسعه سیاسی شده است؛ عکس این قضیه نیز فرصت تاریخی مناسب را برای رشد و بالندگی جامعه مدنی و به دنبال آن، توسعه سیاسی کشور به ارمغان آورده است.

نگاهی به پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران بیانگر این مطلب است که توسعه سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه در معنای گسترده آن، در میان جامعه دانشگاهی و نخبگان فکری چندان مورد توجه قرار نگرفته است و به‌رغم اینکه این وجه از توسعه

در تاریخ گذشته ایران روند مطلوبی را طی نکرده است، ولی تاکنون اجماعی برای پرداختن به این بُعد از توسعه در جامعه شکل نگرفته و بیشتر منابع موجود در این زمینه نیز بر پایه مفاهیم و الگوی غربی مورد توجه بوده است. این در حالی است که توسعه سیاسی نیازمند بازنگری و ارائه راهکارهای مطلوبی است تا بتواند روند زیگزاگی و پُرفرازونشیب خود را به مرحله‌ای از ثبات و پیشرفت سوق دهد؛ از این رو در این پژوهش بر آن شدیم تا به منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور با بهره‌گیری از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به‌عنوان سندی بالادستی و ضمن بررسی متون موجود و بهره‌گیری از آنها، با توزیع پرسش‌نامه در میان جمعی از نخبگان، اساتید و دانشجویان کشور، راهکارهای مطلوب استخراج و در قالب مدل ارائه شود. بر این اساس، نوآوری این پژوهش در استخراج راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی از متن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مفاهیم مورد نظر در این الگو و هماهنگ‌سازی آن با آرا و نظرات نخبگان کشور است.

ملاحظه‌های نظری

1. توسعه سیاسی

با وجود اهمیتی که مفهوم توسعه سیاسی در عرصه علم سیاست دارد، هنوز ابهام و عدم صراحت زیادی نیز در مورد این دانش‌واژه به چشم می‌خورد. دلیل این ابهام را باید در مطالعات فراوانی جست‌وجو کرد که از دیدگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در مورد «رشد»، «نوسازی» و «توسعه» دولت‌های جدید در جهان سوم انجام گرفته است (عالم، 1391: 123-122). سیکل حرکتی مفهوم توسعه سیاسی به گونه‌ای است که در دهه‌های 1940 و 1950 هنگامی که بحث از توسعه به عمل می‌آمد، منظور از توسعه رشد اقتصادی بوده و از اواخر دهه 1950 و اوایل دهه 1960 نیز در چهارچوب مطالعه سیاست‌های مقایسه‌ای، مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی قرار گرفته و مفهوم توسعه سیاسی با مقوله‌هایی مانند «فرهنگ سیاسی» گره خورده است (قوام، 1382: 15-13).

نخستین بار لوسین پای مفهوم توسعه سیاسی را در دهه 1960 مطرح کرد. وی ضمن تأکید بر این مطلب که نخستین گام در راه توسعه سیاسی، تکامل یافتن نظام دولت ملی است (عالم، 1382: 124)، افزایش ظرفیت نظام در پاسخ‌گویی به نیازها و خواست‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌پندارد. پای معتقد است

برای تحقق توسعه مطلوب، نظام سیاسی باید به صورت موفقیت آمیز از سلسله بحران‌هایی عبور کند که شامل بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع است (قوام، 1382: 17).

در تعریف ساموئل هانتینگتون از توسعه سیاسی، هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی کرنش پیدا کند، به همان اندازه به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. از نظر هانتینگتون معیارهای توسعه سیاسی عبارتند از: پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری، یگانگی و پراگماتیسم (قوام، 1382: 15).

تعریف توسعه سیاسی به تعبیر گابریل آلموند و جیمز کلمن فرایندی است که به موجب آن نظام‌های سنتی غیرغربی ویژگی‌های جوامع توسعه‌یافته‌تر را پیدا می‌کنند و این ویژگی‌ها عبارتند از: درجه بالای شهرگرایی، گسترش سواد، درآمد سرانه بالا، صنعتی‌شدن اقتصاد و به‌طورکلی مشارکت گسترده اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیرسیاسی. کارل دوپچ معیار توسعه سیاسی را میزان تحرک اجتماعی می‌داند. از نظر دوپچ، تحرک اجتماعی فرایندی است که به موجب آن اعتقادات و وابستگی‌های سنتی در زمینه‌های سیاسی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دچار دگرگونی شده و توده مردم را برای قبول الگوهای رفتاری جدید آماده می‌کند. هانتینگتون و نلسون نیز مشارکت سیاسی را یکی از پارامترهای اصلی توسعه سیاسی می‌دانند (قوام، 1382: 19-15). لئونارد بایندر توسعه سیاسی را ایجاد تغییراتی در نوع و سبک سیاست دانسته و عنوان می‌کند توسعه سیاسی به فرایندهای سیاسی غیررسمی‌ای اشاره دارد که همواره چالشی علیه فرایندهای رسمی و علیه خواست‌های نوینی است که نهادهای جامعه - اگر قرار باشد این نهادها ثبات را حفظ کرده و مسئولانه از عهده تعارض اجتماعی برآیند - در جهت تأمین آن‌ها مورد خطاب قرار می‌گیرند (بایندر، 1380: 106).

در میان جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران نیز اساتید و محققان زیادی مقوله توسعه سیاسی را مورد توجه قرار داده‌اند. مروری بر ادبیات توسعه سیاسی ایران نشان می‌دهد بخش بزرگی از مطالعات تجربی انجام‌شده توسط پژوهندگان ایرانی و غیرایرانی، اغلب پیرامون مقوله عام توسعه و توسعه‌یافتگی ایران است و تنها بخشی از این کارها به‌طورمشخص به مقوله خاص توسعه سیاسی ایران پرداخته‌اند؛ اما آنجاکه توسعه سیاسی وجهی از جوه چندگانه توسعه ملی است، از این رو، مجموعه این نوع مطالعات - مستقیم یا غیرمستقیم - به امر توسعه سیاسی ایران نیز ربط می‌یابند و آن را پوشش می‌دهند.

از جمله کسانی که در زمینه توسعه و توسعه سیاسی ایران کوشیده و تحقیقاتی را به ثمر رسانده‌اند، می‌توان به نام‌هایی چون سوداگر (1357)، اشرف (1359 و 1970)، آبراهامیان (1379)، کدی (1369)، امیراحمدی (1381)، میلانی (1381)، بشیریه (1380)، کاتوزیان (1372)، فوران (1378)، اسکاچپول (1994)، کمالی (1381)، ارجمند (1995)، عظیمی (1372)، حاجی‌یوسفی (1378) و دیگران، سریع‌القلم و سیف‌زاده اشاره کرد.

سیف‌زاده مفهوم توسعه سیاسی را «چگونه حکومت‌کردن» می‌داند و معتقد است برخلاف دیدگاه توسعه پدرسالارانه گذشتگان که مبتنی بر اندیشه «چه کسی حکومت کند» بود، از نگاه دموکراسی مدرن «چگونه حکومت‌کردن» مطرح است (سیف‌زاده، 1388: 17).

سریع‌القلم در کتاب «عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران» ضمن اینکه توسعه سیاسی را بالاترین و پیچیده‌ترین سطح توسعه می‌داند، آن را مشکل‌ترین شکل حرکت به طرف عقلایی‌شدن رفتارها و برخوردهای یک جامعه نیز معرفی می‌کند (سریع‌القلم، 1384: 107 و 114).

امام خمینی نیز در بررسی مفهوم توسعه سیاسی در پی بیان این مطلب است که هدف غایی توسعه سیاسی - آن‌گونه که متفکران غربی اعتقاد دارند - تنها مادیات و اصالت لذت و دنیاگرایی نیست، بلکه هدف اصلی توسعه با هدف زندگی انسان گره خورده است و آن چیزی جز تحقق مکتب توحید نیست. با این بیان مشخص است مبانی نظری ایشان با متفکران غربی اختلاف ماهوی دارد. حضرت امام (ره) هیچ‌گاه به‌طور شفاف از توسعه سیاسی و حتی مبانی، اهداف و شاخصه‌های آن سخن به میان نیاورده است، بلکه کاوش در سخنان و مکتوبات ایشان، نظامی را به دست می‌دهد که می‌توان از آن، اهداف، شاخص‌ها و در نهایت الگوی توسعه سیاسی را با توجه به ادبیات رایج دنیا برداشت کرد (حسینی، 1378: 106).

بدیهی است شکل‌گیری روندی به نام توسعه سیاسی، نیازمند تغییرات اجتماعی بلندمدتی است که طی آن نظام تقسیم کار، قشربندی اجتماعی، نظام سیاسی و فرهنگ، دستخوش تحول می‌شود؛ بنابراین در تکوین آن، عمل عاملان اجتماعی و سیاسی، منافع گروه‌ها، اقشار و طبقات و گرایش آن‌ها به تغییر یا مقاومت نقش دارد. بر این اساس می‌توان گفت توسعه سیاسی ماهیتی برآیندی (منتجه) دارد و تکوین آن در هر جامعه‌ای، تاریخ خاص خود را دارد (رجب‌زاده، 1378: 2-1).

با توجه به تعاریف بیان‌شده باید گفت توسعه سیاسی مفهومی چندبُعدی دارد که این ویژگی از

ماهیت چندرشته‌ای علوم سیاسی ریشه می‌گیرد. همین چندبُعدی بودن سبب شد تا مفاهیمی مانند «نوسازی سیاسی» و «دگرگونی سیاسی» به جای «توسعه سیاسی» به کار گرفته شوند. باین حال توسعه سیاسی در نهایت مجموعه‌ای از شرایط و تحولات است که جامعه‌ای را پیشرفته و در سطح بالایی از رشد و توسعه، عدالت، رفاه و آسایش، آزادی، مردم‌سالاری، مشارکت و حاکمیت قانون قرار می‌دهد.

2. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

چند سالی است که طراحی و تدوین الگویی برای پیشرفت براساس مبانی بینشی و ارزشی اسلامی و همچنین مطابق با شرایط زمانی و مکانی کشور با عنوان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی از سوی دلسوزان نظام مطرح شده است.

در کشور ما طرح بحث توسعه و الگوهای پیاده‌سازی آن همواره مورد اختلاف اندیشمندان و حاکمان بوده است. اینکه کدام الگو می‌تواند در وضعیت توسعه سیاسی ایران موفقیت‌آمیز باشد، پرسش همیشگی اندیشمندان ایرانی بوده است؛ زیرا القای الگوی غیربومی به سطح تفکر اجتماعی کشور، همواره پیامدهای نامناسبی داشته است. گذشته از این، ظرفیت نخبگان، توان کارشناسی و قدرت برنامه‌ریزی سرمایه‌انسانی کشور بسیار غنی بوده و نیاز کشور به الگوی پیشرفت از یک‌سو و ظرفیت‌های موجود کشور از نظر توان طراحی و تدوین الگو از سوی دیگر، این امکان را برای نظام برنامه‌ریزی کشور فراهم ساخته است تا بتواند در مسیر طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان ضرورتی اساسی و حتی حیاتی گام بردارد.

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «بشریت امروز، تشنه‌تر از همیشه تاریخ، در انتظار الگویی از توسعه و پیشرفت است که بتواند واقعاً پاسخ‌گوی هندسه نیازهای صادق انسان باشد. همچنان‌که می‌دانیم الگوی توسعه مارکسیستی صرفاً به دنبال حل مشکل اقتصاد و معیشت بود؛ آن‌هم به قیمت فداکردن روح آزادی‌خواهی و معنویت بشر؛ چنان‌که الگوی لیبرالیستی توسعه نیز به دلیل تکیه و تأکید بر نیازهای مادی و غفلت از نیازهای معنوی و ارزش‌های بلند انسانی و الهی، اسیر چنگال افراد دیوصفتی که اسیر شهوات و هواهای نفسانی خود هستند، گشته؛ و این اسارت و غفلت به قدری گسترده و عمیق است که حتی اصل حیات را در تنها سیاره‌ای که تاکنون قابل حیات شناخته شده است، تهدید می‌کند؛ لذا ما معتقدیم تنها مکتبی که می‌تواند جامعه را هدایت کند و پیش‌برد اسلام است و دنیا اگر بخواهد از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست به‌گریبان است، نجات پیدا

کند و انسانی زندگی کند و انسان‌گونه، باید به اسلام روی بیاورد» (امام خمینی، 1389، ج 5: 437).

در سال 1385، رهبر معظم انقلاب نیز طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به‌عنوان یک ضرورت برای کشور مطرح کردند. ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی و نیاز کشور به الگوی پیشرفت بومی و وجود ظرفیت‌های بالایی که در کشور برای رشد، توسعه و پیشرفت وجود دارد، از دلایل طرح این موضوع از سوی ایشان بوده است. در همین رابطه می‌فرمایند: «این الگو باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود؛ این کار به‌طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده‌ایم باید برگردیم به نقشه‌ی اسلامی ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم. وقتی می‌گوییم الگوی ایرانی اسلامی، یعنی نقشه‌ای جامع بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان‌که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگی مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن و متناقض با آن را هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و سیاست انجام دادیم، به خاطر این است که نقشه جامع وجود نداشته است» (بیانات رهبری، 1389/09/10).

از مهم‌ترین مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توجه به دو مفهوم اسلامی و ایرانی است. اسلامیت الگوی پیشرفت در گروهی تأملی در مبانی این الگوست. بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه در مدل غربی با الگوی اسلامی، بی‌توجهی به مفاهیم معنوی است. توسعه غربی کمیت‌گراست و رسالت او اصلاح و بهبود وضعیت مادی انسان‌هاست، درحالی‌که مفاهیم معنوی که با معیارهای کمی قابل‌اندازه‌گیری نیستند، در الگوی اسلامی پیشرفت بسیار تعیین‌کننده هستند (علاسوند، 1389: 59).

با گذشت سه دهه از عمر انقلابی که با ظرفیت اسلام رخ داده و ادامه یافته است، هنوز انقلابی جامع در ساختارها صورت نپذیرفته است و الگوی پیشرفت می‌خواهد نخستین گام اساسی را بردارد (مشکات، 1382: 612). مطابق اقتضای قید اسلامی‌بودن، لازم است مفاهیم، شاخص‌ها و هر چیزی که در معرفی پیشرفت نقش دارد، ناظر به تعریفی اسلامی از پیشرفت باشد و بر مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلام مبتنی شده باشد؛ چه آنکه نمی‌توان تعریفی از پیشرفت ارائه داد که در عین برخوردارنبودن از مبانی فلسفی اسلامی، پیشرفتی اسلامی انگاشته شود (عرب، 1390: 191).

در زمینه ایرانی‌بودن الگو باید گفت، هر ملتی که بخواهد از الگوی توسعه سرمشق بگیرد، باید ویژگی‌های جغرافیایی، انسانی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فرصت‌ها و تهدیدهای خود را در

اصلاح الگو مدنظر قرار دهد؛ بنابراین ایرانی بودن الگو امری اجتناب‌ناپذیر است (مصباحی‌مقدم، 1389: 222). قید ایرانی بودن ناظر به این است که باید در زمینه پیشرفت، شرایط، زمان و مکان را در نظر گرفت. به عبارت دیگر، اسلام خود کامل است ولی از آنجاکه این الگو در مقطع معینی اجرا می‌شود، باید ویژگی‌های زمانی، مکانی و ظرف تحقق آن به‌دقت در نظر گرفته شود (هادوی تهرانی، 1390: 13)؛ بنابراین اگر اسلامی بودن به معنای جامعیت الگوست، ایرانی بودن، واقعیت آن را تأمین می‌کند؛ از این رو بر اساس آنچه دربارهٔ قید اسلامی و ایرانی بودن الگوی پیشرفت مورد مطالعه قرار گرفت، می‌توان چنین استدلال کرد که در کنار هم بودن این دو قید، رمز موفقیت الگو را تضمین خواهد کرد، چراکه در این الگو، اسلامی بودن «روح» و ایرانی بودن «جسم» پیشرفت را تشکیل می‌دهد (عرب، 1390: 195).

این ترکیب موزون و غنی، درکی منظومه‌ای می‌طلبد که در بنیان، مبتنی بر مبانی اسلام ناب و توسط تفکر ایرانی و ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ایرانیان، به دنبال طراحی تمدنی جدید در رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به دلیل چندبُعدی و فرارشته‌ای بودن، از مفاهیم رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی ساختار یافته است که به‌شدت از ارزش‌های اساسی دینی و الهی متأثر است. این الگو همچنین پیشرفت را به گونه‌ای تعریف می‌کند که رسیدن به اهداف عالی حیات طیبه انسان را در هر دو بُعد مادی و معنوی آسان سازد، بدون آنکه بخواهد امکانات و قابلیت‌ها و محدودیت‌های مادی و معنوی نظام اجتماعی ایران را نادیده بگیرد (خوش‌چهره و حبیبی، 1391: 221).

3. توسعه سیاسی بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در بررسی الگوهای توسعهٔ سیاسی اگر اختلاف بین الگوها و نظریه‌پردازان ذیل آن‌ها را کنار بگذاریم، می‌بینیم که هدف نهایی در تمام این الگوها سعادت اجتماعی این دنیایی به معنای بیشترین رضایت‌مندی و لذت حسی برای بیشترین افراد جامعه است. آنان فایده‌گرایی مادی را در رأس تمام اهداف خود می‌دانند و این بدان معناست که هر چیزی که غرایز و شهوات انسان را در ابعاد مختلف مادی (اقتصادی، جسمانی و...) و معنوی (قدرت‌طلبی، جاه‌طلبی و...) بیشتر تأمین کند، به توسعه نزدیک‌تر است. نکتهٔ دیگر آنکه در رأس هدف‌گذاری این الگوها اعم از اهداف غایی و اهداف میانی (کارآمدی نظام‌ها، تقویت و ثبات نظام سیاسی و...) انسان و عقل فعال او قرار دارد. آنان معتقدند

انسان موجودی فعال مطلق است و عقلانیت او تام و کامل است و در دنیای معاصر از بند قضا و قدر الهی و بنده خدا بودن خارج شده و صلاح و سداد خود را به طور مطلق تشخیص می‌دهد (هانتینگتون، 1375: 147-148)؛ بنابراین تمام اهداف غایی و میانی و شاخص‌های خود را در زمینه توسعه سیاسی ذیل بنیادهای نظری انسان‌محورانه، اعتبار می‌بخشند. در این الگوها حتی اگر گامی به سوی دموکراسی و مشارکت مردم برداشته می‌شود نیز ذیل تحقق لذت‌های دنیوی بیشتر و رفاه مادی افزون‌تر است، اما هدف اصلی توسعه سیاسی در اسلام دستیابی به سعادت و قرب الهی است که ابزار آن مادیات است. از دیدگاه امام نیز، هدف غایی توسعه سیاسی، ایجاد شرایط مناسب برای عروج انسان و فراهم آوردن محیط انسان‌سازی و نزدیکی به خدا و سیر الی الله است (امام خمینی، صحیفه انقلاب: 1383: 33 و 34).

به دلیل تفاوت موجود در هدف غایی توسعه سیاسی در دیدگاه غربی و اسلامی، در این بخش از پژوهش به بررسی مصادیق توسعه سیاسی در قالب الگوی اسلامی ایرانی در سه مفهوم مشارکت، آزادی و مشروعیت به‌عنوان سه مفهومی که از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی به شمار می‌روند، می‌پردازیم.

3-1. مشروعیت

مشروعیت در لغت عبارت است از مشروع؛ یعنی آنچه موافق شرع و طبق شرع جایز باشد. مشروع مؤنث مشروع، یعنی حکومت مشروع، حکومتی که منطبق بر قوانین شرع اسلام باشد (معین، 1381: 44-41). از آنجاکه مشروعیت از ریشه شرع گرفته شده است، باید به واژه‌هایی همچون شرع و شرعی نیز مراجعه کرد (مرنندی، 1376: 31). شرع یعنی راه پیدا و روشن خداوند بر بندگان، راه راست، راه روشن؛ شرعی یعنی آنچه مطابق احکام و دستورهای خداوند است (سیاح، 1378: 945). در اصطلاح نیز مشروعیت، در حد واسطه شکل‌گیری پیوند و نسبت میان حکومت و جامعه یا حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان آشکار می‌شود. در واقع، نخستین جایی که حکومت وجود خود را آشکار می‌سازد، زمانی است که می‌خواهد خودش را اعمال کند و امرش را به اجرا درآورد. بر این اساس، در لحظه‌ای که قدرت اعمال می‌شود، درست در همان زمان از مجوز آن پرسیده می‌شود و این همان پرسش از مشروعیت است؛ یعنی از آنجاکه حقیقت حکومت در «اعمال حکم حکمرانان» آشکار می‌شود، درست در همین زمان، مسئله مشروعیت حکومت نیز مطرح خواهد شد؛

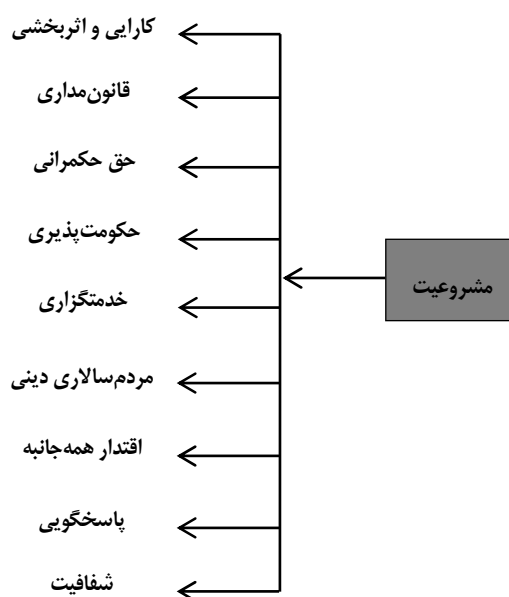
بنابراین مسئله مشروعیت در اسلام، «توجیه شرعی اعمال قدرت حاکم» است؛ یعنی حاکم به چه مجوز شرعی حق اعمال قدرت را دارد؟ براساس آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت مشروعیت به معنای ظرفیت نظام سیاسی برای ایجاد و حفظ اعتقاد به این اصل است که نهادهای سیاسی موجود در جامعه از صحت عمل برخوردار هستند یا خیر؟

براساس تعریف ارائه‌شده، ملاحظه می‌شود که میان معنای مشروعیت در اصطلاح علم سیاست و معنای مصطلح شرعی به معنای حکم دین، جدایی وجود دارد و آنچه از «Legitimacy» فهمیده می‌شود، با معادل‌هایی همچون مقبولیت و قانونیت، بیشتر هماهنگ است تا مشروعیت و شرعیت. این در حالی است که واژه مشروعیت نزد متشرعه و علمای دین، تنها در معنای مطابقت با شرع و احکام آن معنا می‌دهد (مرندی، 1376: 32).

در بررسی نظریه «مشروعیت در اسلام» ابتدا باید منشأ مشروعیت و منبع شناخت آن را تفکیک کرد. در اسلام، منشأ ذاتی مشروعیت تنها خداوند است؛ زیرا آفریدگار جهان و انسان و مالک همه هستی، تنها قدرت مستقل، تأثیرگذار و اداره‌کننده (مدبر) جهان و پروردگار عالم و آدم است. در اسلام، حکومت و حاکمیت سیاسی نیز - که نوعی تصرف در امور مخلوقات است - از شئون ربوبیت شمرده می‌شود. بنیان مشروعیت حکومت در اندیشه دینی با مشروعیت در اندیشه غیردینی متفاوت است، به گونه‌ای که اندیشه غیردینی بیشتر به مقبولیت عمومی توجه دارد. از دیدگاه امام خمینی، اسلام حکومتی را تأسیس کرده است، اما نه به شیوه استبدادی که در آن رأی و خواسته‌های نفسانی یک شخص بر جامعه تحمیل شود و نه به شیوه حکومت مشروطه یا حکومت جمهوری که بر پایه قوانین بشری تأسیس شده است و تحمیل آرای گروهی از مردم را بر جامعه واجب و لازم می‌داند؛ بلکه حکومتی را تأسیس می‌کند که در هر زمینه، از شرع و قانون الهی الهام و کمک می‌گیرد. در این نوع حکومت هیچ‌یک از والیان، حق ندارند به شیوه استبدادی بر رأی شخصی خود تکیه کنند، بلکه هر آنچه به حکومت مربوط می‌شود، حتی اطاعت کردن مردم از حکام و زمامداران، ناگزیر باید منطبق بر قانون الهی باشد، البته زمامدار می‌تواند در موضوعات، به مقتضای مصلحت جامعه مسلمانان، با همه کسانی که در آن زندگی می‌کنند، تصمیم‌گیری کند و این‌گونه تصمیم‌گیری، استبداد به رأی نیست، بلکه مصلحت‌اندیشی است؛ بنابراین رأی و تصمیم وی همانند کارش تابع مصالح جامعه خواهد بود (امام خمینی، 1379 ج 2: 618-619).

در شاخص مشروعیت می‌توان با توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از مصادیق ذیل نام برد: مسئولیت حکومت در قبال مردم، حق حکمرانی، حکومت‌پذیری، اصل خدمتگزاری، مردم‌سالاری دینی، اقتدار همه‌جانبه، پاسخ‌گویی، شفافیت، نگاه ابزاری به قدرت با هدف تأمین سعادت انسان، قانون‌مداری، و کارایی و اثربخشی.

شکل شماره 1. نمودار مصادیق مشروعیت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



3-2. مشارکت

در اسلام مشارکت سیاسی یکی از ویژگی‌های جامعه پیشرفته اسلامی به شمار می‌رود که می‌توان شاخص‌های آن را در الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه بینش، ساختار و رفتار نشان داد. در حوزه بینش، دین نوعی نگاه ابزاری به قدرت دارد و حکومت، امانت الهی انگاشته می‌شود. پیروی از حاکم و مشارکت در امر سیاسی نیز به‌مثابه تکلیفی دینی نگریسته می‌شود. ساختار نظام سیاسی اسلام به گونه‌ای مشارکت‌جویانه سازمان‌دهی می‌شود و نهادهایی چون بیعت، مشورت و جهاد برای سازمان‌دهی امر سیاسی در نظر گرفته شده است. در حوزه رفتار، شهروندان جامعه اسلامی با حاکم مشروع بیعت کرده و از او اطاعت می‌کنند؛ همچنین در امور سیاسی، با بصیرت مشارکت می‌ورزند.

در این جامعه مردم و دولت می‌کوشند تا حکومت صالح را با خیرخواهی و اتحاد محافظت کنند (خلوصی، 1391: 48-51).

بر این اساس می‌توان مصادیق مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حوزه بینش را در این موارد مشاهده کرد:

• مسئولیت‌پذیری در برابر حکومت؛

• صلاح متقابل؛

• بصیرت که با توجه به متون روایی می‌تواند دارای سه نماگر باشد: شناخت حق، دشمن‌شناسی و موقعیت‌شناسی؛

• بیعت؛

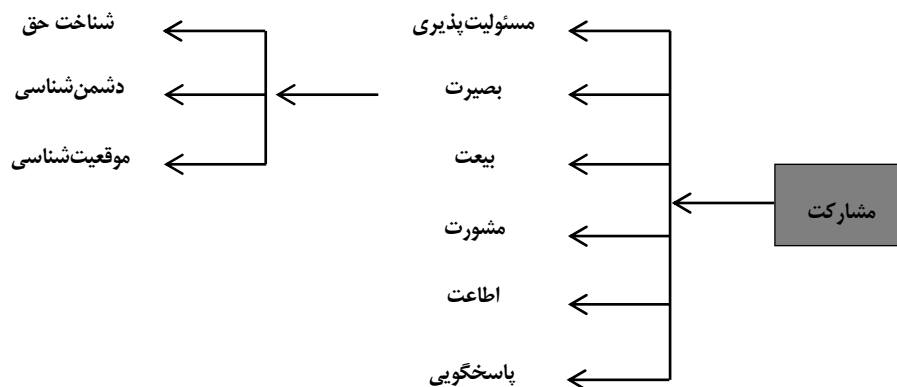
• مشورت؛

مؤلفه‌های مشارکت سیاسی در حوزه رفتار، عبارت است از قواعد رفتاری که شهروندان جامعه اسلامی در مقام عمل آن را به کار می‌گیرند.

• اطاعت از نظام سیاسی؛

• پاسخ‌گویی.

شکل شماره 2. نمودار مصادیق مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



3-3. آزادی

شاخص سوم مورد نظر در این پژوهش، آزادی است که مصادیق متفاوتی از مفهوم غربی آن دارد.

آزادی مفهومی گسترده به وسعت تمامی ادیان و فرهنگ‌ها دارد. آزادی مفهومی جهانی است و هر ملت، فرهنگ و آیینی نه‌تنها در حال حاضر بلکه در طول تاریخ، نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آن داشته است.

انسان موجودی منحصر به فرد است که دو ویژگی پیچیده و متضاد را در خود دارد؛ یکی اینکه می‌خواهد به‌عنوان فرد دارای کرامت و استقلال باشد و در محدوده‌ای قرار گیرد که از تعرض دیگران مصون بماند و از سوی دیگر گرایش شدیدی به اجتماعی بودن دارد و می‌کوشد با دیگران ارتباط برقرار کند تا نیازمندی‌های روحی، مادی و معنوی خود را فراهم سازد.

آزادی سیاسی به‌عنوان یکی از انواع آزادی، از جمله مفاهیمی است که در مقام تبیین، از تعاریف مختلفی برخوردار است که هر یک از تعاریف، معمولاً ناظر به برخی از مصادیق این نوع آزادی است. به‌طور کلی این نوع آزادی که بیان‌گر رابطه متقابل حاکمان و شهروندان است، به نقش مردم در زندگی سیاسی اشاره دارد و مقصود از آن، انواع آزادی‌هایی است که فرد در حیطه اجتماع، در برابر حکومت داراست. آزادی سیاسی را می‌توان قدرت انتخاب افراد برای انجام کار و استفاده از ابزارهای مورد تقاضا و مشارکت در تعیین حاکمیت و ارائه نظریه‌های سیاسی براساس اصول پذیرفته‌شده دانست که در کاربردی عام، هرگونه فعالیت‌هایی را که بر سرنوشت سیاسی جامعه اثر بگذارد، شامل می‌شود (اسحاقی، 1384: 176).

برخی از مهم‌ترین مصادیق این نوع آزادی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- آزادی انتخاب و حق رأی؛
- آزادی بیان؛
- آزادی تشکیل اجتماعات و احزاب؛
- آزادی عقیده و مذهب.

دیدگاه مکتب اسلام در زمینه آزادی سیاسی با دیگر مکاتب حقوقی تفاوت‌هایی دارد. شریعت اسلامی دارای حقوق و احکامی است که از راه وحی مقرر و به وسیله پیامبران دین، تبیین شده است. در این نظام، برای پیشگیری از استبداد و خودمحموری، صفات اخلاقی و نفسانی مهمی به‌عنوان شرایط لازم برای رهبر دینی و رجال حکومتی تعیین شده است که برای پیامبر و امام از راه عصمت و برای دیگران از طریق عدالت، تقوا و پارسایی تأمین می‌شود.

مبانی آزادی سیاسی در نظام اسلامی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

◉ ستم‌زدایی و استکبارستیزی؛

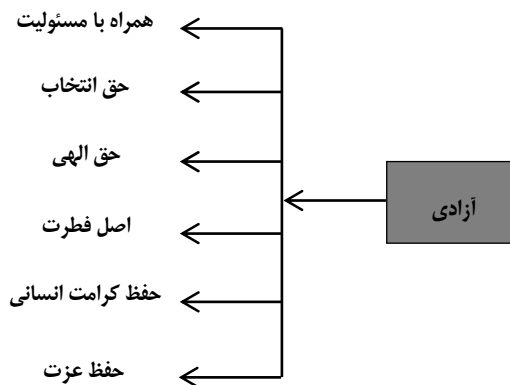
◉ آزادی همراه با مسئولیت و حق انتخاب؛

◉ اصل فطرت؛

◉ حق الهی؛

◉ حفظ عزت و کرامت انسان.

شکل شماره 3. نمودار مصادیق آزادی سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



میزان پیشرفت و تحقق توسعه سیاسی در هر نظام، براساس سنجش میزان تحقق اهداف آن امکان‌پذیر است، یعنی میزان تحقق اهدافی که ذیل الگوی تحقق توسعه سیاسی در نظر گرفته شده است می‌تواند نشان دهد که تا چه اندازه شاخص‌هایی که ذیل آن اهداف مطرح شده است، رعایت شده و در نظام سیاسی جامه عمل پوشیده است. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز میزان موفقیت الگو و کارایی بستگی به میزان کاربرد مصادیق دارد. هر اندازه جامعه بتواند از این شاخص‌ها در عرصه سیاسی و اجتماعی بیشتر استفاده کند، میزان توسعه سیاسی نیز تغییر کرده و مسیر توسعه را بهتر و مطلوب‌تر طی خواهد کرد.

به‌طورکلی در توسعه سیاسی اهداف و آرمان‌هایی همانند مشروعیت، آزادی و مشارکت به‌عنوان شاخص‌های اصلی توسعه بسیار مورد توجه است و با ارزیابی و دقت نظر در این سه مقوله می‌توان دریافت که توسعه سیاسی تا چه اندازه آرمان‌ها و اهداف خود را پیگیری و هدف‌گذاری کرده است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای - کاربردی است. رویکرد پژوهش توصیفی و تحلیلی و روش تحقیق تلفیقی (کیفی - کمی) است که ترکیبی از تحلیل محتوای کیفی و تفسیری در بخش کیفی و روش پرسش‌نامه در بخش کمی است. برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روش قیاسی برای تحلیل محتوای پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در ادامه، داده‌های کیفی که با روش تحلیل محتوا تحلیل شدند با تعریف شاخص هماهنگی کمی شدند و در نهایت، تحلیل آماری نیز در خصوص آن‌ها انجام شد. در بخش کمی، فراوانی به معنای تعداد ارجاعات هر مفهوم است. به این معنی که چند نفر از افراد مورد مطالعه (72 نفر) به مفهوم مورد نظر اشاره کرده‌اند. درصد میزان فراوانی هر مفهوم تقسیم بر تعداد کل افراد مورد مطالعه (72 نفر) است که برای اولویت‌بندی مفاهیم مورد نظر استفاده می‌شود. بدین صورت که هرچه مقدار عددی درصد یک مفهوم بیشتر باشد، بدین معنی است که افراد بیشتری به آن اشاره کرده‌اند و از اهمیت بالاتری برخوردار است.

جامعه و نمونه آماری

روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر غیرتصادفی و از نوع هدفمند است. جامعه آماری تحقیق را نیز اساتید، پژوهشگران و دانشجویان مقطع دکترا و کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی تشکیل می‌دادند. حدود 36 درصد از افراد نمونه، دارای مدرک تحصیلی دکترا، 46 درصد دانشجویان دکترا و 18 درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد بوده‌اند. همچنین 65 درصد از آنان مرد و بقیه را زنان تشکیل می‌دادند. رشته تحصیلی اعضای نمونه به‌طور اختصاصی علوم سیاسی و شاخه‌های مرتبط با آن مانند جامعه‌شناسی سیاسی، اندیشه سیاسی و مطالعات ایران بوده است. در کل، 100 پرسش‌نامه توزیع شد که از این موارد 72 پرسش‌نامه تکمیل شد؛ بنابراین درصد پاسخ در این مطالعه برابر با 72 درصد است.

جدول شماره 1. تعداد شرکت کنندگان در آزمون

تعداد	دانشگاه / مؤسسه
14	مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
23	دانشگاه رازی کرمانشاه
14	دانشگاه علوم تحقیقات اصفهان
13	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین
8	حوزه علمیه کرمانشاه

روایی پرسش‌نامه

پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسش‌هایی است که براساس موضوع پژوهش و اهدافی که در این رساله به دنبال آن بوده‌ایم، به صورت تشریحی مطرح شده است. روایی پرسش‌نامه از طریق اعتبار صوری انجام شده است؛ بدین ترتیب که برای تهیه پرسش‌نامه ابتدا چهارچوب پرسش‌نامه براساس اهداف پژوهش و متن پایان‌نامه تهیه شد و در مرحله بعدی در معرض ارزشیابی چند تن از صاحب‌نظران قرار گرفت و پس از اعمال نظر اساتید و خبرگان، پرسش‌نامه نهایی تهیه شد که پرسش‌های آن بدین شرح است:

1. از دیدگاه شما مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب کدامند؟
2. پیشنهاد شما برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران چیست؟
3. آیا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌تواند به تولید روندهای توسعه در ایران اهتمام ورزد؟
4. آیا ارائه الگویی بومی برای توسعه سیاسی در ایران را ضروری می‌دانید؟ دلایل شما چیست؟
5. تا چه اندازه اقتباس از الگوهای غربی را برای توسعه سیاسی کشور ضروری می‌دانید؟
6. با توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، راهکارهای پیشنهادی شما برای افزایش مشروعیت سیاسی در ایران چیست؟
7. چگونه می‌توان میزان مشارکت سیاسی مردم را در کشور افزایش داد؟
8. توسعه آزادی‌های سیاسی چگونه می‌تواند روند توسعه سیاسی در کشور را بهبود بخشد؟
9. عملکرد کدام دوره از دولت‌های پس از انقلاب در زمینه توسعه سیاسی کشور موفق‌تر بود و چرا؟

10. روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در آینده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پس از جمع‌آوری و مطالعه پاسخ‌های ارائه‌شده، در ابتدا برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در ادامه داده‌های کیفی‌ای که با روش تحلیل محتوا تحلیل شدند با تعریف شاخص، هماهنگی کمی یافتند و در نهایت، تحلیل آماری نیز درباره آن‌ها انجام شد. گفتنی است پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده، با توجه به اینکه در پاسخ برخی پرسش‌ها هم‌پوشانی وجود داشت، با کسب راهنمایی و مشورت از خبرگان و صاحب‌نظرانی که در تهیه پرسش‌نامه ما را یاری کردند، تصمیم بر این شد که پاسخ برخی پرسش‌ها در هم ادغام شده و ارائه شود. بر همین اساس، پرسش‌ها در پنج محور اصلی که در ادامه بیان می‌شود، دسته‌بندی شدند. در پایان هر بخش از پاسخ‌های ارائه‌شده نیز از دو جدول و نمودار استفاده شده است که براساس تحلیل آماری و کمی شده داده‌های کیفی ارائه می‌شود.

یافته‌های پژوهش

1. از دیدگاه شما مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب کدامند؟

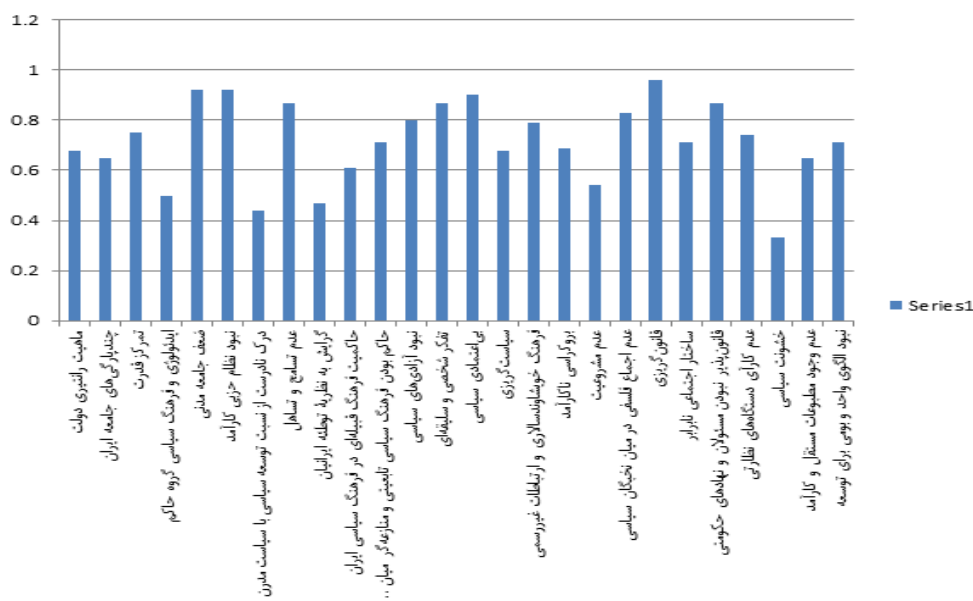
نتایج حاصل از پژوهش در زمینه دیدگاه افراد مورد مطالعه درباره مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، در جدول شماره 2 و نمودار شماره 1 ارائه شده است.

جدول شماره 2. مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

اولویت	درصد	فراوانی	چالش‌ها
1	0/98	69	قانون‌گریزی
2	0/92	66	ضعف جامعه مدنی
2	0/92	66	نبود نظام حزبی کارآمد
3	0/90	65	بی‌اعتمادی سیاسی
4	0/87	63	قانون‌پذیر نبودن مسئولان و نهادهای حکومتی
4	0/87	63	تفکر شخصی و سلیقه‌ای
5	0/83	60	فقدان اجماع فلسفی در میان نخبگان سیاسی
6	0/80	58	نبود آزادی‌های سیاسی
7	0/79	57	فرهنگ خویشاوندسالاری و ارتباطات غیررسمی

اولویت	درصد	فراوانی	چالش‌ها
8	0/75	54	تمرکز قدرت
9	0/74	53	ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی
10	0/71	51	حاکم بودن فرهنگ سیاسی تابعیتی و منازعه‌گر میان نخبگان
10	0/71	51	فقدان الگوی واحد و بومی برای توسعه
10	0/71	51	ساختار اجتماعی نابرابر
11	0/69	50	بوروکراسی ناکارآمد
12	0/68	49	سیاست‌گزیزی
13	0/65	47	نبود مطبوعات مستقل و کارآمد
14	0/61	44	حاکمیت فرهنگ قبیله‌ای در فرهنگ سیاسی ایران
15	0/54	39	فقدان مشروعیت
16	0/50	36	ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه حاکم
17	0/47	34	گرایش به نظریه توطئه در فرهنگ ایرانیان
18	0/44	32	درک نادرست از نسبت توسعه سیاسی با سیاست مدرن
19	0/33	24	خشونت سیاسی

نمودار شماره 1. مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی



توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

براساس نتایج ارائه شده در بالا مشاهده می شود که از دیدگاه افراد مورد مطالعه، مواردی مانند قانون‌گریزی، ضعف جامعه مدنی، نبود نظام حزبی کارآمد و بی‌اعتمادی سیاسی مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند. این در حالی است که مواردی همچون خشونت سیاسی، درک نادرست از نسبت توسعه سیاسی با سیاست مدرن، گرایش به نظریه توطئه ایرانیان و ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه حاکم، از کم‌اهمیت‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند.

2. پیشنهاد شما برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران چیست؟

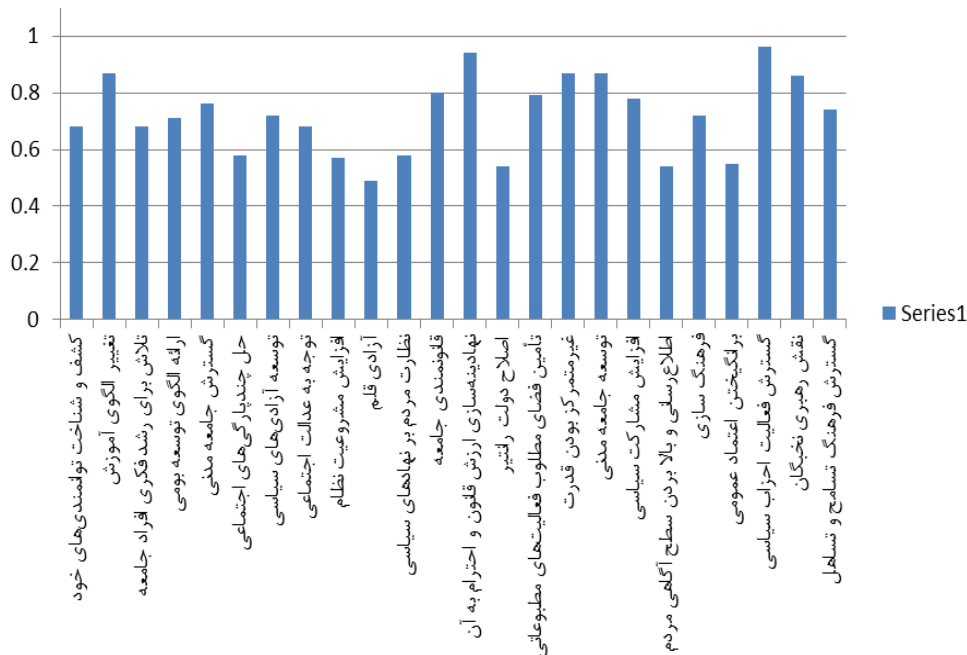
یافته‌های پژوهش درباره راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی از دیدگاه افراد مورد مطالعه، در جدول شماره 3 و نمودار شماره 2 ارائه شده است.

جدول شماره 3. راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران

اولویت	درصد	فراوانی	چالش‌ها
1	0/96	69	گسترش فعالیت احزاب سیاسی
2	0/94	68	نهادینه‌سازی ارزش قانون و احترام به آن
3	0/87	63	تغییر الگوی آموزش
3	0/87	63	غیرمتمرکز بودن قدرت
3	0/87	63	توسعه جامعه مدنی
4	0/86	62	نقش رهبری نخبگان
5	0/80	58	قانونمند بودن جامعه
6	0/79	57	تأمین فضای مطلوب برای فعالیت‌های مطبوعاتی
7	0/78	56	افزایش مشارکت سیاسی
8	0/76	55	گسترش جامعه مدنی
9	0/74	53	گسترش فرهنگ تسامح و تساهل
10	0/72	52	فرهنگ‌سازی
10	0/72	52	توسعه آزادی‌های سیاسی
11	0/71	51	ارائه الگوی توسعه بومی

اولویت	درصد	فراوانی	چالش‌ها
12	0/68	49	تلاش برای رشد فکری افراد جامعه
13	0/58	42	حل چندپارگی‌های اجتماعی
13	0/58	42	نظارت مردم بر نهادهای سیاسی
14	0/57	41	افزایش مشروعیت نظام
15	0/55	40	برانگیختن اعتماد عمومی
16	0/54	39	اطلاع‌رسانی و بالابردن سطح آگاهی مردم
16	0/54	39	اصلاح دولت رانتیر
17	0/49	35	آزادی قلم

نمودار شماره 2. راهکارهای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران



براساس نتایج ارائه‌شده در بالا مشاهده می‌شود که از دیدگاه افراد مورد مطالعه، مهم‌ترین راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران، مواردی همچون گسترش فعالیت احزاب سیاسی، نهادینه‌سازی ارزش قانون و احترام به آن، توسعه جامعه مدنی، غیرمتمرکز بودن قدرت، تغییر الگوی آموزش و نقش رهبری نخبگان را شامل می‌شود. این در حالی است که

توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

کم‌اهمیت‌ترین راهکارهای لازم در این زمینه شامل آزادی قلم، اصلاح دولت رانتیر، برانگیختن اعتماد، اطلاع‌رسانی و بالابردن سطح آگاهی مردم، افزایش مشروعیت نظام و حل چندپارگی‌های اجتماعی ایران بوده است.

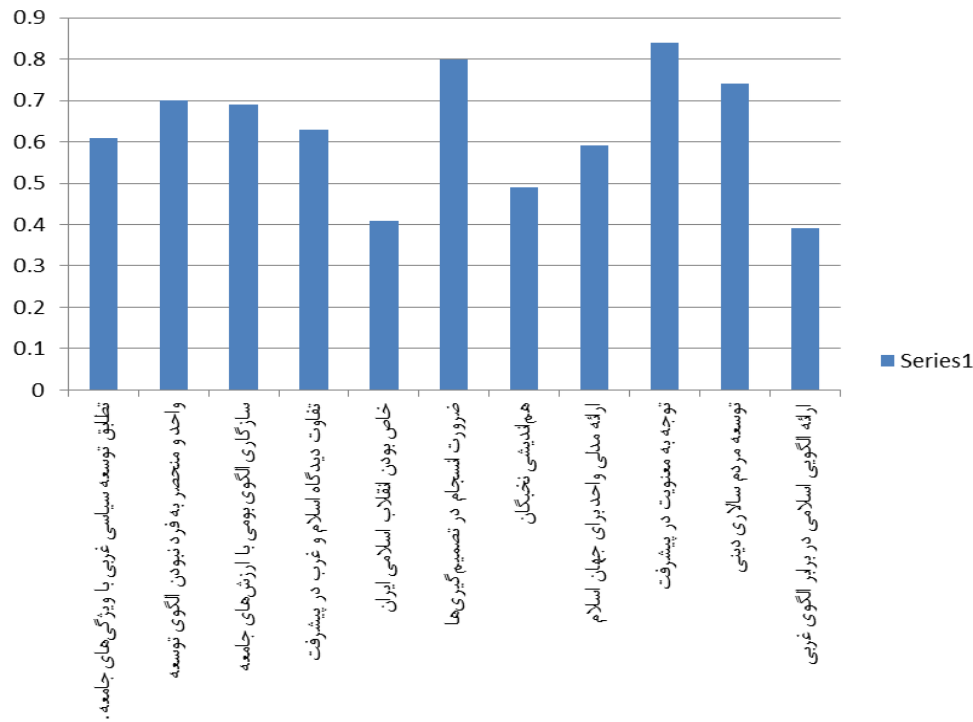
3. آیا ارائه الگویی بومی برای توسعه سیاسی در ایران را ضروری می‌دانید؟ دلایل شما چیست؟

در ادامه دلایل موافقت افراد مورد مطالعه با به‌کارگیری الگوهای بومی برای توسعه سیاسی در کشور بیان شده است.

جدول شماره 4. دلایل موافقان الگوهای بومی برای توسعه سیاسی در ایران

اولویت	درصد	فراوانی	دلایل موافقان الگوهای بومی
1	0/84	43	توجه به معنویت در پیشرفت
2	0/80	41	ضرورت انسجام در تصمیم‌گیری‌ها
3	0/74	38	توسعه مردم‌سالاری دینی
4	0/70	36	واحد و منحصر به فرد نبودن الگوی توسعه
5	0/69	35	سازگاری الگوی بومی با ارزش‌های جامعه
6	0/63	32	تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در پیشرفت
7	0/61	31	تطابق توسعه سیاسی غربی با ویژگی‌های جامعه غربی
8	0/59	30	ارائه مدلی واحد برای جهان اسلام
9	0/49	25	هم‌اندیشی نخبگان
10	0/41	21	خاص بودن انقلاب اسلامی ایران
11	0/39	20	ارائه الگویی اسلامی در برابر الگوی غربی

نمودار شماره 3. دلایل موافقان الگوهای بومی برای توسعه سیاسی در ایران



بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره 4 و نمودار شماره 3 مشاهده می‌شود که مهم‌ترین دلایل موافقت افراد مورد مطالعه با به‌کارگیری الگوهای بومی برای توسعه سیاسی ایران مواردی مانند توجه به معنویت در پیشرفت، ضرورت انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و توسعه مردم‌سالاری دینی بوده است. این در حالی است که کم‌اهمیت‌ترین دلایل از نظر آنان، مواردی همچون ارائه الگوی اسلامی در برابر الگوی غربی، خاص بودن انقلاب اسلامی ایران و هم‌اندیشی نخبگان را شامل می‌شده است.

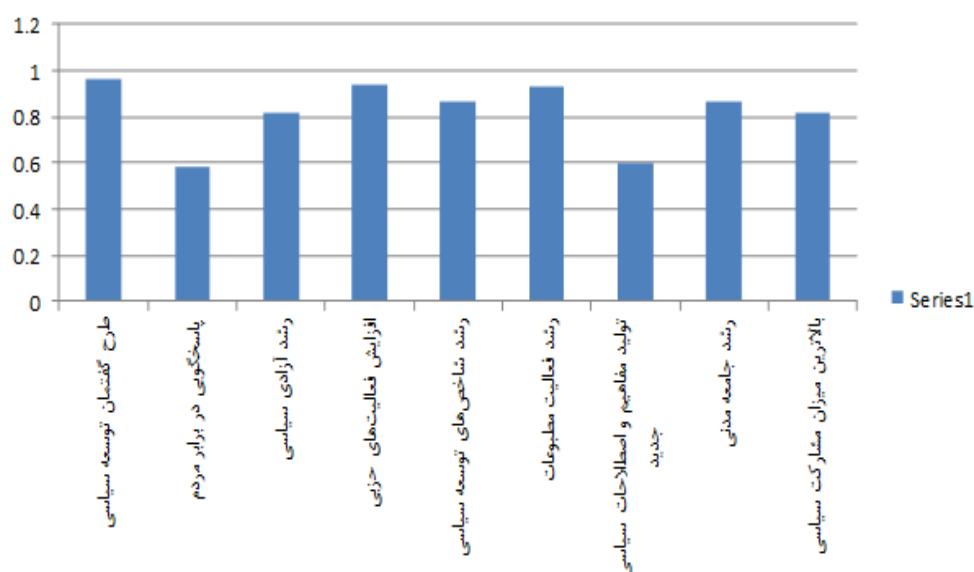
4. عملکرد کدام دوره از دولت‌های پس از انقلاب در زمینه توسعه سیاسی کشور موفق‌تر بود و چرا؟

در پاسخ به این پرسش، همه افراد مورد مطالعه اذعان داشتند که دولت اصلاحات به رهبری سید محمد خاتمی، موفق‌ترین دولت در زمینه توسعه سیاسی در کشور بوده است و برای این منظور دلایلی ارائه داده‌اند که در جدول شماره 5 و نمودار شماره 4 آورده شده است.

جدول شماره 5. دلایل موافقت پاسخ‌گویان با موفق‌تر بودن دولت خاتمی در زمینه توسعه سیاسی کشور

اولویت	درصد	فراوانی	دلایل
1	0/96	69	طرح‌گفتمان توسعه سیاسی
2	0/94	68	افزایش فعالیت‌های حزبی
3	0/93	67	رشد فعالیت مطبوعات
4	0/87	63	رشد جامعه مدنی
4	0/87	63	رشد شاخص‌های توسعه سیاسی
5	0/82	59	بالاترین میزان مشارکت سیاسی
5	0/82	59	رشد آزادی سیاسی
6	60	43	تولید مفاهیم و اصطلاحات سیاسی جدید
7	0/58	42	پاسخ‌گویی در برابر مردم

نمودار شماره 4. دلایل موافقت پاسخ‌گویان با موفق‌تر بودن دولت خاتمی در زمینه توسعه سیاسی کشور



براساس نتایج ارائه‌شده در بالا مشاهده می‌شود از دیدگاه افراد مورد مطالعه مواردی همچون طرح‌گفتمان توسعه سیاسی، افزایش فعالیت‌های حزبی و رشد فعالیت مطبوعات سیاسی، از مهم‌ترین دلایل موافقت آن‌ها با موفق‌تر دانستن دولت خاتمی در زمینه توسعه سیاسی کشور بوده‌اند. این در حالی است که

مواردی مانند پاسخ‌گویی در برابر مردم، تولید مفاهیم و اصطلاحات سیاسی نوین و بالاترین میزان مشارکت سیاسی مردم، از کم‌اهمیت‌ترین دلایل موافقت آن‌ها با این امر به شمار می‌رفته است.

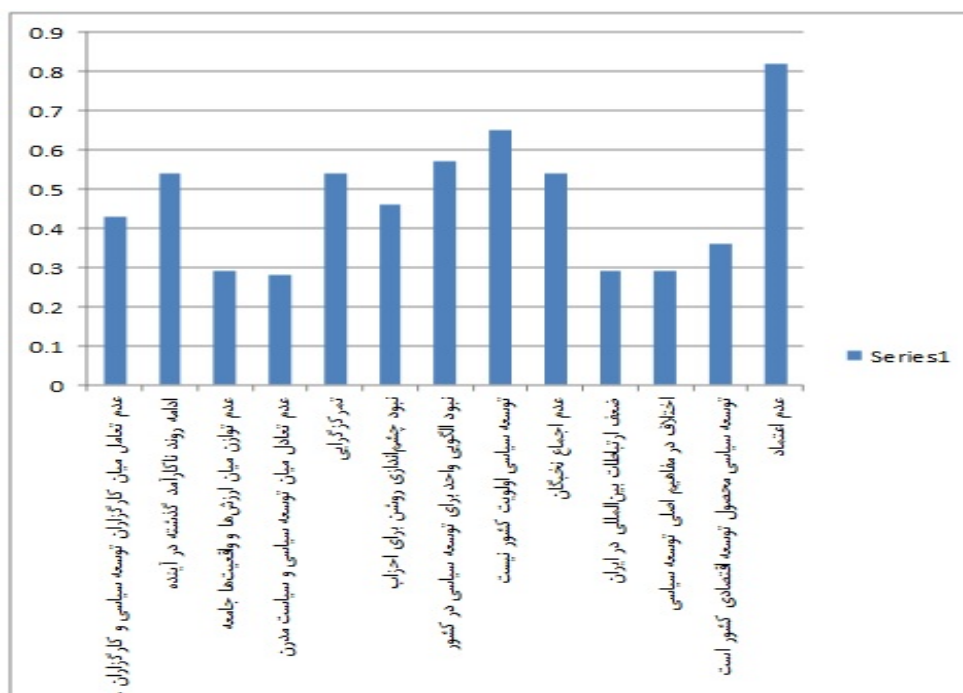
5. روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در آینده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در پاسخ به این پرسش، بیشتر صاحب‌نظران و شرکت‌کنندگان ضمن توجه به اهمیت توسعه سیاسی در همه جوامع، اظهار امیدواری کردند که با استفاده از تجارب تاریخی سه دهه گذشته و رفع چالش‌های موجود بر سر راه توسعه سیاسی، این روند بتواند به شرایط مطلوب و مورد نظر خود دست یابد. همچنین بر این باور بودند تا زمانی که اجماعی کلی در عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی صورت نگیرد، نمی‌توان به آینده توسعه سیاسی در کشور امیدوار بود. همچنین شرکت‌کنندگان دلایلی درباره ناامیدی از این روند در کشور داشتند که با ارزیابی آنان از چشم‌انداز توسعه سیاسی ایران در آینده، در ارتباط بود. نظرات پاسخ‌گویان در این زمینه در جدول شماره 6 و نمودار شماره 5 ارائه شده است.

جدول شماره 6. دلایل ناامیدی افراد مورد مطالعه از روند توسعه سیاسی کشور در آینده

اولویت	درصد	فراوانی	دلایل ناامیدی افراد
1	0/82	59	فقدان اعتماد
2	0/65	47	در اولویت قرار نداشتن توسعه سیاسی در کشور
3	0/57	41	نبود الگویی واحد برای توسعه سیاسی در کشور
4	0/54	39	ادامه روند ناکارآمد گذشته در آینده
5	0/46	33	فقدان چشم‌اندازی روشن برای احزاب
6	0/43	31	نبود تعامل میان کارگزاران توسعه سیاسی و کارگزاران دولت
7	0/36	26	توسعه سیاسی محصول توسعه اقتصادی کشور است
8	0/29	21	فقدان توازن میان ارزش‌ها و واقعیت‌های جامعه
8	0/29	21	ضعف ارتباطات بین‌المللی در ایران
8	0/29	21	اختلاف در مفاهیم اصلی توسعه سیاسی
9	0/28	20	فقدان تعادل میان توسعه سیاسی و سیاست مدرن

نمودار شماره 5. دلایل ناامیدی افراد مورد مطالعه از روند توسعه سیاسی کشور در آینده



براساس نتایج ارائه‌شده در بالا مشاهده می‌شود مهم‌ترین دلایل ناامیدی افراد از روند توسعه سیاسی کشور مواردی همچون فقدان اعتماد، در اولویت قرار نداشتن توسعه سیاسی و فقدان الگویی واحد برای توسعه سیاسی در کشور را شامل می‌شده است. در این میان، مواردی همچون فقدان تعادل میان توسعه سیاسی و سیاست مدرن، اختلاف در مفاهیم اصلی توسعه سیاسی، ضعف ارتباطات بین‌المللی در ایران و عدم توازن میان ارزش‌ها و واقعیت‌های جامعه، اهمیت کمتری داشته‌اند.

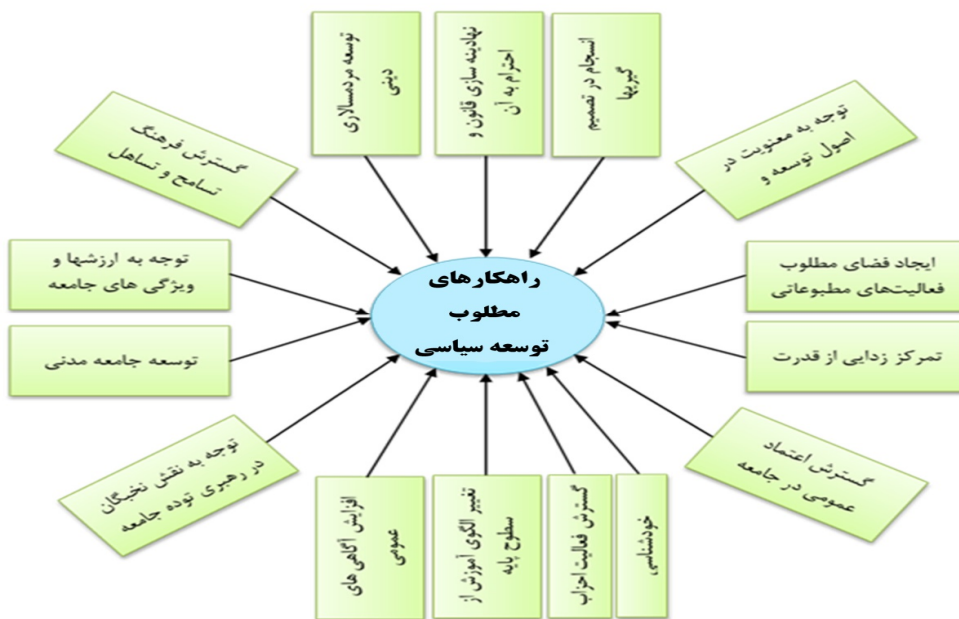
راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در پایان این بخش و پس از بررسی و تحلیل محتوای داده‌ها و یافته‌های پژوهش مورد نظر به ارائه راهبردهای مطلوب برای بهبود روند توسعه در کشور پرداخته خواهد شد. گفتنی است ارائه راهکارها براساس دیدگاه شرکت‌کنندگان در این پژوهش و کسب بالاترین درصد در میان سایر موارد بوده است و گزینه‌هایی که کمتر از پنجاه درصد را کسب کرده‌اند، مورد توجه قرار نگرفته است:

• به مبحث قانون و نهادینه‌سازی احترام به قانون توجه شود؛

- ☉ در تصمیم‌گیری‌ها انسجام وجود داشته باشد؛
- ☉ الگوی آموزش از سطوح پایه تغییر یابد؛
- ☉ مردم‌سالاری دینی توسعه یابد؛
- ☉ فعالیت احزاب سیاسی گسترش یابد؛
- ☉ به ارزش‌ها و ویژگی‌های جامعه ایران توجه شود؛
- ☉ معنویت در اصول توسعه و پیشرفت مورد توجه قرار گیرد؛
- ☉ جامعه مدنی گسترش یابد؛
- ☉ نقش نخبگان در رهبری توده جامعه عمیق‌تر شود؛
- ☉ فضای مطلوب فعالیت‌های مطبوعاتی گسترده شود؛
- ☉ تمرکززدایی از قدرت صورت گیرد؛
- ☉ خودشناسی در جامعه تقویت شود؛
- ☉ افزایش آگاهی‌های عمومی گسترش یابد؛
- ☉ اعتماد عمومی در جامعه گسترده‌تر شود.

نمودار شماره 6. راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی



توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در ادامه، با استفاده از مصادیق شاخص‌های توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در صفحات پیشین به آن پرداخته شد، راهکارهایی که از تحلیل پاسخ‌های دریافت‌شده استخراج شده است، بر پایه مصادیق برآمده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه می‌شود:

توجه به قانون و نهادینه‌شدن احترام به آن بر پایه:

• مسئولیت‌پذیری

• پاسخ‌گویی

• شفافیت

تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه بر پایه:

• عزت

• کرامت

• بصیرت

توسعه مردم‌سالاری دینی بر پایه:

• خدمتگزاری

• قانون‌مداری

• پاسخ‌گویی

• شفافیت

گسترش فعالیت احزاب سیاسی بر پایه:

• مسئولیت‌پذیری

• مشورت

• بیعت

• حق انتخاب

• حفظ عزت و کرامت

• خدمتگزاری

• بصیرت

گسترش جامعه مدنی بر پایه:

☉ پاسخ‌گویی

☉ مسئولیت‌پذیری

☉ بصیرت

☉ شفافیت

عمیق‌تر شدن نقش نخبگان بر پایه:

☉ بصیرت

☉ مشورت

☉ اطاعت

☉ پاسخ‌گویی

گسترش فضای مطبوعاتی بر پایه:

☉ حق انتخاب

☉ مسئولیت‌پذیری

☉ خدمتگزاری

☉ قانون‌مداری

تمرکززدایی از قدرت بر پایه:

☉ کارایی و اثربخشی

☉ قانون‌گرایی

☉ خدمتگزاری

خودشناسی بر پایه:

☉ عزت

☉ بصیرت

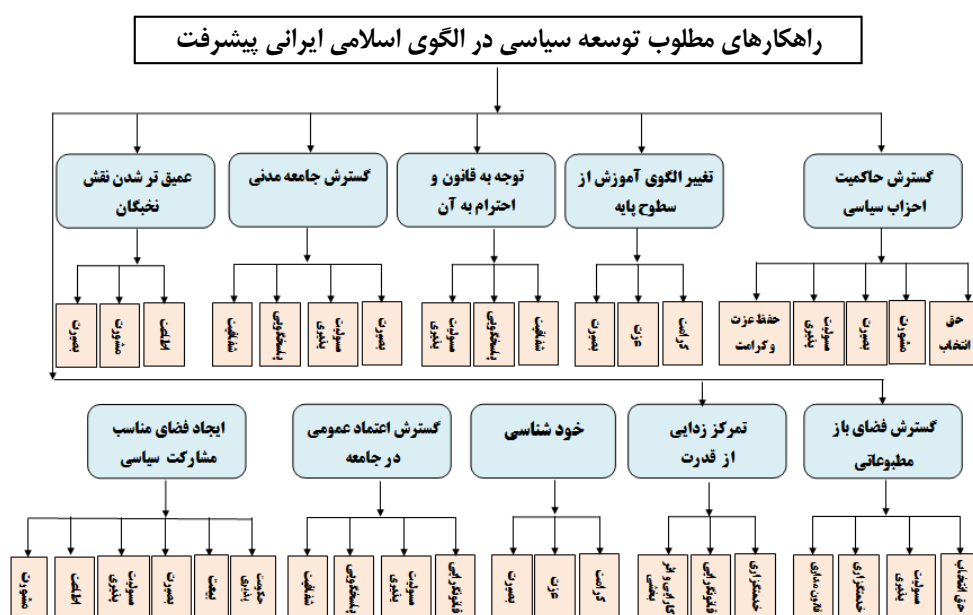
☉ کرامت

گسترش اعتماد عمومی در جامعه بر پایه:

☉ پاسخ‌گویی

☉ مسئولیت‌پذیری

- ع شفافیت
- ع قانون‌گرایی
- ع ایجاد فضای مناسب مشارکت سیاسی بر پایه:
- ع بصیرت
- ع مشورت
- ع بیعت
- ع اطاعت
- ع حکومت‌پذیری
- ع مسئولیت‌پذیری



جمع‌بندی و پیشنهادها

در این پژوهش با توجه به اهمیت توسعه سیاسی در جامعه به‌عنوان یکی از پیش‌زمینه‌های دستیابی به توسعه همه‌جانبه در کشور و با توجه به اینکه توسعه سیاسی در کشور ما روند مطلوبی را در طول چهار دهه اخیر نداشته است و به‌منظور دستیابی به راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت، تعدادی از صاحب‌نظران، نخبگان و دانشجویان کشور مورد سنجش قرار گرفتند.

هدف مقاله این بود که براساس پرسش‌های مطرح‌شده، میزان توسعه سیاسی در کشور به‌ویژه در سه مقوله مشروعیت، آزادی و مشارکت مورد توجه قرار گیرد تا ضمن بررسی مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی، با ارائه راهکارهای مطلوبی، به چگونگی بهبود روند کند و نامطلوب توسعه سیاسی در کشور پرداخته شود. بر همین اساس باید گفت، مواردی مانند قانون‌گریزی، ضعف جامعه مدنی، فقدان نظام حزبی کارآمد و بی‌اعتمادی سیاسی، مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند.

مهم‌ترین راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران از دیدگاه افراد مورد مطالعه، مواردی مانند گسترش فعالیت احزاب سیاسی، نهادینه‌سازی ارزش قانون و احترام به آن، توسعه جامعه مدنی، غیرمتمرکز بودن قدرت، تغییر الگوی آموزش و نقش رهبری نخبگان بوده است. در ارزیابی مهم‌ترین دلایل موافقت افراد مورد مطالعه با به‌کارگیری الگوهای بومی برای توسعه سیاسی ایران، مواردی همچون توجه به معنویت در پیشرفت، ضرورت انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و توسعه مردم‌سالاری دینی به چشم می‌خورد.

پس از تجزیه و تحلیل پاسخ‌های صاحب‌نظران و شرکت‌کنندگان، راهکارهایی به‌منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور ارائه شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: توجه به قانون و نهادینه‌سازی احترام به قانون، انسجام در تصمیم‌گیری‌ها، تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه، توسعه مردم‌سالاری دینی، گسترش فعالیت احزاب سیاسی، توجه به ارزش‌ها و ویژگی‌های جامعه ایران، توجه به معنویت در اصول توسعه و پیشرفت و گسترش جامعه مدنی. در انتها راهکارهای عنوان‌شده بر پایه مصادیق برآمده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، طراحی شدند. نکته قابل‌توجه در این طرح، اهمیت توجه به عناصر عزت، کرامت، بصیرت، پاسخ‌گویی، شفافیت، قانونمداری و مسئولیت‌پذیری است که در هریک از شاخص‌های توسعه سیاسی می‌توان ردی از آن‌ها یافت.

در پایان، به‌منظور دستیابی به توسعه سیاسی مطلوب در کشور در قالب الگویی بومی و با توجه به اهمیت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش مهم آن در تدوین و طرح این مهم، پیشنهادهایی ارائه می‌شود و امید است بتواند راهگشای کشور در مسیر پُرفرازونشیب توسعه سیاسی باشد:

• توجه بیشتر به نقش آموزش و پرورش در تربیت انسان‌های شایسته و اثرگذار و آشنایی

دانش‌آموزان با اهداف مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛

• برگزاری کارگاه‌های آموزشی دانشجویان در مرکز به منظور ارائه الگوها و مدل‌های توسعه سیاسی؛

• ایجاد بستر مناسب فرهنگی در کشور با هدف آشنایی بیشتر جامعه با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛

• توجه بیشتر به علوم انسانی و ارائه راهکارهای مناسب به منظور افزایش نقش علوم انسانی در توسعه کشور؛

• ایجاد فضای بیشتر با هدف هم‌اندیشی و تضارب آرا میان اساتید حوزه و دانشگاه؛

• توجه ویژه به قانون اساسی به منظور ارائه الگوی مطلوب توسعه اسلامی ایرانی؛

• داشتن چشم‌اندازی جامع و بلندمدت براساس ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه؛

• پرهیز از شعارزدگی و توجه به واقعیت‌های موجود جامعه (امکانات، محدودیت‌ها) و استفاده

از تجارب گذشته به منظور دستیابی به الگویی جامع و مطلوب؛

• برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، نقد و نظریه‌پردازی درباره الگوهای توسعه در دانشگاه‌ها.

امید است نتایج این پژوهش بتواند گامی هرچند کوچک در زمینه طرح الگویی مناسب برای

بهبود روند توسعه سیاسی در کشور باشد.

فهرست منابع

- اسحاقی، حسین (1384)، آزادی در اسلام و غرب، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- بایندر، لئونارد (1380)، بحران‌ها و توالی در توسعه سیاسی، مترجم: غلامرضا خواجه‌سروی، چاپ 1، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی، محمد (1378)، نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: عروج، 1378.
- خلوصی، محمدحسین (1391)، «شاخص مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، دوفصلنامه معرفت سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان 1391.
- خوش‌چهره، محمد و نیک‌بخش، حبیب (1390)، «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال 21، شماره 20.
- رجب‌زاده، احمد (1378)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: سلمان.
- سریع‌القلم، محمود (1384)، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، چاپ چهارم، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سیاح، احمد (1378)، فرهنگ بزرگ جامع عربی فارسی (دو جلدی)، تهران: انتشارات اسلام.
- سیف‌زاده، سید حسین (1388)، پانزده مدل نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی، چاپ اول، تهران: قومس.
- عالم، عبدالرحمان (1380)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- عرب، مهدی (1390)، «عدالت و پیشرفت در اندیشه اسلامی»، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: همشهری.
- علاسوند، فریبا (1389)، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ضرورت‌ها و موانع، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- قوام، سید عبدالعلی (1381)، چالش‌های توسعه سیاسی، چاپ اول، تهران: قومس.
- مشکات، محمد (1390)، ضرورت تأملی در مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مجموعه مقالات نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی (الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)، تهران: پیام عدالت.
- مرندی، محمدرضا (1376)، مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، تهران: مؤسسه انتشاراتی عطا.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا (1389)، گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، دی 1389.
- معین، محمد (1381)، فرهنگ فارسی معین، تهران: ندا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (1389)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- هادوی تهرانی، مهدی (1390)، کارآمدی و عدالت در نظام اسلامی، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: همشهری.
- هاتینگون، ساموئل (1392)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، 1389/9/10.

ریکلوومی

اسلید مجری

پریپر